

۱. سید هبة الدین شهرستانی

۲. شیخ محمد عرفه

۱. گفتمان برادرانه یا نواختن طبل جنگ!

گسترش فزاینده اسلام در جهان معاصر، همراه با رخدادهای سیاسی، فرهنگی، علمی و اجتماعی جدید، بازگشت به هویت اصیل و داعیه جهانی‌سازی اسلامی، استکبار و قدرت‌های بزرگ را بیش از پیش به تکاپو واداشته تا به هر صورتی که ممکن است از رشد اسلام‌خواهی و تجدید حیات مسلمانان جلوگیری کنند.

آنان علاوه بر به کارگیری نیروهای موجود خود، از ادیان و ملیت‌های گوناگون هم کمک می‌گیرند تا همه یک‌صدا، مانع پیشرفت و گسترش اسلام در جهان شوند. از اهداف عمده و ابزار مهم کاربردی آنها، شکستن اقتدار مسلمانان به دست خود آنان است. ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی که از دیرباز وجود داشته و در زمان امپراطوری عثمانی توسط دولت انگلیس تشدید شد، این بار توسط دولت ایالات متحده با همکاری سایر قدرت‌ها به ویژه قدرت‌های رسانه‌ای به صورت همه‌جانبه پی‌گیری می‌شود.

در این شرایط حساس، به جای مدّ نظر قرار دادن مشترکات و تأکید بر اصول و فروع مورد قبول مذاهب اسلامی، سخن گفتن از موارد اختلافی توهین برانگیز و سست، در حقیقت آب به آسیاب دشمن ریختن و برافروختن شعله‌های کینه و عداوت و ضربه زدن به شکوه و عظمت اسلام و مسلمانان است.

جای بسی تأسف است با وضعیتی که امروزه جهان اسلام به ویژه کشورهای اسلامی منطقه دارند، برخی از افراد، با نام علمای اهل سنت، در آستانه برگزاری مراسم حج، با صدور اعلامیه‌ای به جای دعوت مسلمانان به وحدت، یک‌پارچگی و هم‌دلی، آنان را به افروختن آتش کینه و درگیری و جنگ دعوت کرده‌اند. اعلامیه ۱۶ ذی القعدة ۱۴۲۷ قمری که از سوی یک گروه ۳۸ نفره از استادان وهابی دانشکده‌های دینی عربستان مانند دانشگاه ام‌القری و دانشگاه ملک سعود و معلمان مناطق

مختلف عربستان سعودی، صادر شده است مملو از انواع تهمت‌ها و نیز تهدید و به طبل جنگ کوبیدن است. این در حالی است که غفلت از دشمن مشترک به ویژه آمریکا و اسرائیل، خطری بسیار بزرگ برای مسلمانان به شمار می‌رود. گرچه موضع‌گیری بجا و به موقع عده‌ای از علما و دانشمندان فریقین، در دعوت مسلمانان به زندگی مسالمت‌آمیز و توجه به موقعیت جهانی و کنار گذاشتن اختلافات جزئی، گامی مؤثر برای کاستن توطئه دشمنان بوده است، اما هوشیاری مسلمانان به ویژه عالمان و حاکمان و سیاست‌مداران کشورهای اسلامی در خنثی کردن توطئه‌های جدید ضرورت دوچندان دارد.

روی آوردن به گفتمان دوستانه و برادرانه، می‌تواند بسیاری از تهمت‌ها، سوءظن‌ها و تبلیغات سوء دشمنان یا افراطیون فریقین را از بین ببرد و از فتنه‌گری و تحریک مسلمانان بر ضد یک‌دیگر جلوگیری کند.

چندی پیش مناظره‌ای میان دو تن از شخصیت‌های مطرح جهان اسلام، یعنی آقایان قرضایی و هاشمی رفسنجانی، در شبکه تلویزیونی الجزیره برگزار گردید که دربردارنده پیام‌های مهمی برای جهان اسلام بود. هر چند شیطنت‌های مجری شبکه الجزیره و تلاش آشکار او برای پر رنگ جلوه دادن اختلافات میان شیعیان و اهل تسنن و محکوم نمودن ایران در این مورد، تا حدودی جو مناظره را از حالت علمی و مؤثر خارج کرده بود اما در نهایت این مناظره پایان نسبتاً خوشایندی داشت. در این مورد چند نکته یادآوری می‌شود:

۱- در لابه‌لای سخنان رد و بدل شده، نشانه‌هایی از اتحاد مسلمانان و قدرت حاصل از این اتحاد به چشم می‌خورد؛ قدرتی که اگر به فعلیت برسد نقشه‌های فتنه‌انگیز غرب دیگر کارایی خود را از دست داده و برتری مسلمانان را نوید خواهد داد.

۲- ادامه این گونه گفت‌وگوها از سوی اندیش‌مندان دلسوز مسلمان در سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی بسیار مفید خواهد بود و مسلمانان را به یک‌دیگر نزدیک و دشمنان را از طمع‌ورزی به منافع آنها ناامید می‌کند. در این مسیر، رسانه‌ها، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، نقش مؤثری خواهند داشت.

۳- این قبیل فعالیت‌ها، حربه را از دست افراد فریب خورده یا مغرض می‌گیرد و مانع آن می‌شود که عده‌ای در میان مسلمانان - با انتشار آنچه از آن به عنوان اطلاعیه علمای اهل سنت نام برده شده و مانند آن - به اختلاف‌ها دامن‌زده، باعث ایجاد فتنه در میان مسلمانان گردند. (ر.ک: خیرنامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۹۳۳).

توصیه دینی و عقلانی، گفتمان برادرانه است نه نواختن بر طبل جنگ. سعادت و سرفرازی اسلام و مسلمانان در سرتاسر جهان، توحید کلمه و کلمه توحید است.

به امید دستیابی کامل امت اسلامی به وحدت و یکپارچگی، اکنون با دو تن از دانشمندان معاصر شیعه و اهل سنت که در این مورد تلاش نموده‌اند به اجمال آشنا می‌شویم.

۲. سید هبة الدین شهرستانی، از عالمان بزرگ نجف اشرف

۲/۱. جایگاه علمی و اجتماعی

سید هبة الدین شهرستانی از کودکی به تحصیل علوم حوزوی مشغول شد. وی که سرآمد دانش‌آموختگان دوره خود بود، علاوه بر علاقه‌مندی به تحصیل علوم دینی محض، به فراگیری علوم انسانی و طبیعی نیز اشتیاق فراوان داشت. استفاده از محضر استادان بزرگ در حوزه علمیه نجف اشرف، از او استادی زبردست ساخت، به گونه‌ای که گفته‌اند وی در میان هم‌دوره‌های خود، بهترین کرسی تدریس در علم جغرافی و ریاضی را داشته است. یادگیری این علوم برای فهم برخی ابواب فقهی، به ویژه جغرافی و هیئت برای قبله‌شناسی و علم ریاضی برای مباحث مربوط به ارث، برای حوزویان ضروری بود. مشهورترین کتاب درسی رایج در حوزه‌ها کتاب «خلاصة الحساب» و «الهیة السماویة» تألیف شیخ بهائی^{ره} بوده است.

سید هبة الدین شهرستانی، با اعتقاد به لزوم گسترش افکار جدید علمی و دعوت به اصلاح جامعه اسلامی، به نشر مجله‌ای به نام «العلم» در نجف اشرف پرداخت و برای اولین بار از طریق این مجله، مدرسه‌ای سیار برای آموزش علاقه‌مندان دایر نمود. وی در امتداد خدمات علمی و فرهنگی خود به تألیف کتاب «الهیة و الاسلام» و «تحریم نقل الجنائز» پرداخت تا در ضمن آن برخی از مسایل مورد نیاز آن روز جامعه را پاسخگو باشد.

وی، محدثی توانمند و ژرف‌اندیش بود، اما در عین حال، وقتی دیگران به زیارتش می‌رفتند هیچ‌گاه میان خود و آنها فرق نمی‌گذاشت. وی علاوه بر عهده‌داری برخی از مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی، ریاست «مجلس التمییز الشرعی الجعفری» در نجف اشرف را نیز بر عهده داشت. ضمن این‌که رابطه او با جهان اسلام چنان عمیق بود که گویا همه عمرش را برای اسلام و مسلمانان سپری کرده است. با توجهی که وی به مسلمانان جهان داشت، همواره پاسخگوی استفتائات، پرسش‌ها و درخواست راهنمایی‌هایی بود که از مناطق و کشورهای مختلف اسلامی، به او می‌رسید و از این طریق مشکلات فکری و نیازهای علمی مسلمانان را حل می‌کرد.

۲/۲. تلاش‌های «تقریبی»

گرچه سراسر زندگی سید هبة الدین شهرستانی دعوت به خیر و صلاح، دوستی و مودت، آموزش علم و عمل است و وی سرمشق خوبی برای مردم به شمار می‌رفته است، اما توجه ویژه وی نسبت

به تقریب دل‌ها و یک‌پارچگی امت اسلام، او را بر آن داشت تا اثر علمی شایسته‌ای به جای گذارد تا مشعل هدایت‌آیندگان باشد. وی در مورد تقریب، اثری با عنوان «رمضان رمز تقریب القلوب و تألیف الشعوب» به جامعه اسلامی هدیه داد. او یکی از تجلیات و تکیه‌گاه وحدت مسلمانان را ماه رمضان می‌داند؛ ماهی که در آن نعمت‌های زیادی از جمله: نعمت نزول قرآن کریم، نعمت لیلۃ القدر، پیروزی مسلمانان در جنگ بدر کبری، استقرار دولت و تقویت شوکت و... به مسلمانان ارزانی شد و آنها را سرافراز نمود. به ویژه وجود معجزه جاودانه الهی (قرآن کریم) که برترین کتاب آسمانی و ماندگارترین آنها در طول زمان است، که علاوه بر فصاحت و بلاغت بیان، دربردارنده علوم و قوانین اخلاقی است که صحت آن با دلیل و برهان ثابت شده است و بشریت برای برقراری امنیت و آرامش و صلح جهانی باید از آن بهره‌گیرد.

این اندیشمند مسلمان از دریچه توجه عمیق مسلمانان به آموزه‌های قرآنی، آنها را نصیحت می‌کند که با در اختیار داشتن چنین کتابی، بر خود بیاند و همگان در سایه آن، امت واحدی تشکیل دهند و همان‌گونه که در ماه رمضان طبقات مختلف مردم، غنی و فقیر با هم روزه می‌گیرند و با هم افطار می‌کنند و یک‌دیگر را به خوبی درک می‌کنند، در لوای قرآن، عظمت و بزرگی خویش را دریابند و از تفرقه و اختلاف بپرهیزند. (ر.ک: مجله رساله الاسلام، شماره ۱، ص ۲۵۰).

۳. شیخ محمد عرفه از عالمان برجسته الازهر

۳/۱. جایگاه علمی

محمد عرفه در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد و والدینش به تربیت و تحصیل وی اهتمام داشتند. او با فراگیری علم، به تدریج رشد کرد و به مقام شایسته‌ای رسید. عرفه مدت زیادی از عمرش را صرف خدمت به فرهنگ دینی در دانشگاه الازهر نمود. از سال ۱۹۳۰ م. به عنوان استاد در بخش شریعت اسلامی در دانشکده شریعت انتخاب شد، سپس وکیل دانشکده شد و پس از به عضویت در آمدن در هیئت برجسته علما - که برای نشر دعوت و تبلیغات در راه خدا و سخت‌کوشی در راه تبلیغ تشکیل شد - موفقیت خوبی داشت. وی سپس به عنوان استاد فلسفه در دانشکده زبان عربی انتخاب شد و پس از آن به عنوان استاد بلاغت در بخش تخصصی استادان همان دانشکده برگزیده شد و در سال ۱۹۴۶ مدیر وعظ (تبلیغ) شد و به مقام اول علمی رسید و پس از آن مدیر مجله ازهر و سپس استاد افتخاری در همه دانشکده‌های الازهر شد.

شیخ محمد عرفه دارای تألیفات و پژوهش‌های بسیار است که از میان آنها می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱- نقض مطاعن فی القرآن الکریم؛ ۲- مؤلف فی تفسیر آیات الاحکام؛ ۳- السّر فی انتشار الاسلام؛ ۴- النحو و النحاة (این کتاب سبب گردید که وی عضو «جماعة كبار العلماء» درآید)؛ ۵- مشکلة اللغة العربية. عرفه از جمله عالمان برجسته‌ای است که الازهر به وجود آنها افتخار می‌کند.

۳/۲. جایگاه تقریب

شیخ محمد عرفه در مورد «تقریب مذاهب اسلامی»، مباحث زیادی را در مجله «رسالة الاسلام» مطرح نموده است. در ذیل، به گوشه‌ای از اعتقادات وی اشاره می‌شود:

«شکی نیست که بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند به مسلمانان عطا فرموده، همبستگی و الفت و محبت است پس از آن که جهالت و عداوت در میانشان قبل از اسلام حاکم بود. چنان که خداوند می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا...» و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید...» (آل عمران / ۱۰۳).

و نیز فرمود: «هُوَ الَّذِي اَيَّدَكَ بِتَضَرُّدِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَ اَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا مَا اَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ اَلَفَ بَيْنَهُمْ اِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد و دل‌های آنها را با هم، الفت داد. اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی تا میان دل‌های آنان الفت ایجاد کنی، نمی‌توانستی. ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد، او توانا و حکیم است» (انفال/۶۲ و ۶۳).

تردیدی نیست که خداوند، اختلاف و تفرقه، درگیری و کینه میان مسلمانان را دوست ندارد: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ اِنَّمَا اَمْرُهُمْ اِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست، سپس خدا آنها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند. (انعام/۱۵۹).

و نیز خداوند تفرقه را محکوم نموده و درباره‌ی وعده‌ی عذاب داده است: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰى اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْضِكُمْ اَوْ يَلِيْسَكُمْ شِيعًا وَ يَذِيقُ بَعْضَكُمْ بِاَسْ بَعْضٍ؛ او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله‌ی دیگری بچشانند». (انعام/۶۵).

همه‌ی این آیات از بدیهیات اولیه است و از ضروریات مباحث دینی است که همه در ظاهر آن را می‌پذیرند، اما آیا واقعیت موجود در میان مسلمانان نیز چنین است؟ مسلمانان به فرقه‌ها و گروه‌های

مخالف و متضاد تقسیم شده‌اند و به دنبال آن کینه، دشمنی و حسد حاکم شده است. در میان آنان گروهی به نام سنی، شیعی، خارجی، معتزلی و... به وجود آمده‌اند؛ گروه‌های زیادی که فقط خداوند تعداد آنها را می‌داند. گویا این گروه‌ها، مبادی دینی‌شان، آن‌چه پیش از این گفتیم نیست بلکه اساس دین را بر تفرقه و اختلاف، نزاع و درگیری قرار داده‌اند و گویا راه فراری از اینها نیست!

بدیهی است اصول اجتماعی همانند دوستی مسلمانان نسبت به یکدیگر و تعاون و همکاری آنها، اصولی نیست که دین از روی تعبد به آن دعوت کند بلکه اصولی است که دین به خاطر مصلحت دنیایی مسلمانان آنان را به آن فرا می‌خواند و بقاء و عزت مسلمانان به این اصول اجتماعی بستگی دارد. هر گروه از مسلمانان به تنهایی ضعیف و ناچیزند اما با همکاری و تعاون با دیگر امت‌های مسلمان، قوت و شوکت می‌یابند. چنان که گفته‌اند: «ضعیفان یغلبان قویاً؛ دو نفر ضعیف اگر با هم باشند بر فرد قوی چیره می‌شوند».

و نیز احکام اجتماعی حرام مانند دشمنی و تفرقه و تنازع که دین آنها را نهی می‌کند به این خاطر است که مسلمانان این امور را از خودشان دور کنند. من احکامی قوی‌تر، مفیدتر و ثمربخش‌تر از محبت، تعاون و همیاری میان مسلمانان نمی‌بینم، و نیز کارهای مضرت‌تر، درهم‌شکننده‌تر و نابود کننده‌تر از کینه، تفرقه و اختلاف برای مسلمانان سراغ ندارم؛ از طرفی، اصولی را که مسلمانان کنار گذاشته‌اند، همانند این اصول اجتماعی ندیده‌ام. حتی دانشمندان این اصول اجتماعی را در حاشیه کتاب‌ها قرار دادند و نتوانستند چراغ فروزان آن را روشن نگه دارند... .

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ با تأکید بر محبت و هم‌دلی مسلمانان، مسلمان را برادر مسلمان خوانده و مال و خون و جان و آبروی آنها را محترم شمرده و به کسی حق تعرض به آنها را نداده است. اصول روابط اجتماعی اسلام باید همانند شیر در وجود بچه‌ها عجین شود و از مدارس ابتدایی همانند ارکان پنج‌گانه اسلام آموزش داده شود تا مسلمان همواره دریابد که «لا یؤمن احدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه؛ کسی مؤمن نیست جز آن‌که هر چه برای خودش دوست دارد برای برادر مسلمانش دوست داشته باشد».

۳/۳. نقش عالمان دین

آن‌چه که بیان شد، بخشی از اهمیت ضرورت وحدت، همکاری و تعاون مسلمانان با یکدیگر است که از وظایف اساسی همه مسلمانان به شمار می‌رود. در این باره نباید نقش عالمان دین و مسئولیت و رسالت آنان در جریان‌سازی وحدت یا تفرقه نادیده گرفته شود.

شیخ محمد عرفه با حساسیت زیاد این مطلب را پی‌گیری کرده است. وی معتقد است: «علما و

فره‌یختگان هر فرقه، در گسترش اختلاف و تفرقه مسلمانان سهم داشته‌اند. گاهی از عالمان یک فرقه سخنانی نشر یافته که منشأ بسیاری از اختلافات شده است. در مباحث علمی، به ویژه مسایل کلامی و عقیدتی و تفسیری، برای رد آرای دیگران، از واژه‌هایی استفاده کرده‌اند که هر کدام بذر کینه و دشمنی شده است و امت اسلامی را گرفتار کرده است، به گونه‌ای که آثار آن هم‌چنان باقی است و تلاشی هم صورت نگرفته است تا عواقب وخیم آن را بزداید.

با نگاه به تاریخ امت اسلامی، حتی در میان پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت، مواردی از اختلاف مشاهده می‌شود که در امور جزئی و فقهی دامن‌گیر آنها شده است و به دنبال آن، درگیری شدید و حتی قتل یک‌دیگر، گزارش شده است. مثلاً در تاریخ آمده است که هرگاه مسلمان حنفی مذهب به منطقه حنبلی‌های گیلان وارد می‌شد، وی را می‌کشتند و مالش را به عنوان «فیء» و غنیمت گرفته شده از کفار قرار می‌دادند. و نیز آورده‌اند که در بعضی از مکان‌ها در منطقه ماوراءالنهر از مناطق حنفی مذهب‌نشین، یک مسجد برای شافعی‌ها وجود داشته است که وقتی حاکم شهر برای نماز صبح خارج می‌شد و در مسیر راه، آن مسجد را می‌دید، می‌گفت: آیا وقت آن نرسیده که این کنیسه بسته شود! مدتی هم‌چنان بود تا این‌که روزی با گل و خشت درب آن مسجد را بستند و حاکم از این کار شگفت‌زده شد!

و نیز بسیار معروف است که مالکیه می‌گویند: شافعی غلام مالک است، و شافعی می‌گویند: احمد بن حنبل غلام شافعی است، و حنابله می‌گویند: شافعی غلام احمد بن حنبل است، و حنفیه می‌گویند: شافعی غلام ابو حنیفه است، چون وی غلام محمد بن حسن بوده و محمد غلام ابو حنیفه بود (پس شافعی غلام ابو حنیفه است). و گفته‌اند: اگر شافعی از پیروان ابو حنیفه نبود، راضی نمی‌شدیم که با او به مخالفت برخیزیم.

و نیز یکی از عالمان حنفی مذهب کتابی در مناقب ابو حنیفه نوشت و افتخار کرد که افرادی همانند ابو یوسف و محمد و ابن مبارک از پیروان وی‌اند و با انشای شعر زیر به بقیه مذاهب طعنه زد و خرده گرفت که:

اولئك آبائی فجئنی بمثلهم إذا جمعنا یا جریر المجمع

این‌گونه امور مانند فخرفروشی‌های زمان جاهلیت است. از سوی دیگر، شافعیه، طعنه می‌زنند که ابو حنیفه از موالی (و غیر عرب است) و از امامان حدیث نیست. و حنفیه در نسب شافعی طعنه می‌زنند که قریشی نیست و حدیثی از او نقل نشده است، چون بخاری و مسلم در زمان وی بودند و وی را درک کردند، اما از او نقل روایت ندارند، با توجه به این نکته که این دو نویسنده حدیث، هیچ پیشوای حدیث را نیافتند جز این‌که از وی روایت نقل کردند. مانند این مسایل، نکات گوناگونی در ذم

مذاهب از یکدیگر پخش شده است. حال که کمی از سخنان فراوان در این مورد ملاحظه گردید، بنگرید که وضعیت سایر مذاهب فقهی و کلامی چگونه است.

از این روست که می‌گوییم مسئولیت عالمان بیش از گذشته است و بر متفکران جامعه اسلامی است که با وحدت کلمه در فکر عزت و شوکت مسلمانان باشند که خدای متعال موهبت طبیعی و نعمت‌های فراوان را در سرزمین آنان قرار داده است و آنان فقط با قدرت و نیرو می‌توانند آن را حفظ کنند و اتحاد و یکپارچگی از مهم‌ترین عوامل قدرت است.»

(ر.ک: مجله رساله الاسلام، شماره ۷، ص ۲۹، ۳۲۹؛ شماره ۸، ص ۴۳، ۱۴۳، ۳۷۰؛ شماره ۹، ص ۲۵، ۲۴۷، ۱۵۳؛ شماره ۱۰، ص ۲۵۱؛ شماره ۱۱، ص ۳۲، ۱۴۱، ۲۵۵ و شماره ۲۸، ص ۱۲، ۱۳۵، ۲۵۱).

منابع و مأخذ:

- ۱- خبرنگار جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۹۳۳.
- ۲- مجله رساله الاسلام، شماره ۱، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۲۸.



جهان اسلام
سرزمین‌های

الإمام
نقيب

تونس

ع.ر. امیردهی

جغرافیای طبیعی

کشور جمهوری تونس که نام قدیمی آن «ترشیش» بود (حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۰) در نیم‌کره شمالی و شرقی، در شمال قاره آفریقا و در کنار دریای مدیترانه واقع گردیده است. تونس از غرب با الجزایر و از جنوب شرقی با لیبی همسایه است و از شرق و شمال به دریای مدیترانه و نیز کوه‌های اطلس و از جنوب شرقی به مناطق صحرایی محدود می‌گردد. تونس با توجه به تأثیر رطوبت دریای مدیترانه و ارتفاع کوه‌های شمالی، از آب و هوای معتدل برخوردار است و از خوش آب و هواترین کشورهای شمال آفریقا می‌باشد، در عین حال منطقه خشک و صحرایی جنوب از کمبود باران رنج می‌برد.

کشور تونس از نظر جغرافیایی به پنج منطقه مهم تقسیم می‌شود: ۱- منطقه مرتفع کوهستانی شمالی؛ ۲- منطقه جلگه‌ای شرق و شمال شرقی؛ ۳- منطقه مرتفع کوهستانی؛ ۴- منطقه تپه‌ای استپی؛ ۵- منطقه صحرایی و کناره‌های جنوبی. تونس از نظر تقسیم‌بندی اداری به ۱۳ ولایت تقسیم می‌شود که نام‌های آن عبارت است از: تونس، بنزرت، باجه، جندوبه، قفصه، مدین، قابس، صفاقس، قیروان، سوسه، نابل، کاف، قصرین. (الموسوعة العربية المیسرة، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۷۷۳).

این کشور با جماهیری لیبی، ۴۸۰ کیلومتر و با الجزایر، ۹۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. رودهای این کشور عموماً فصلی‌اند و در سراسر خاک تونس حدود ۱۰ دریاچه وجود دارد که بزرگ‌ترین آنها به نام‌های شط الجوید و شط الغوسه در غرب کشور و بقیه به نام‌های النوه، سیدالهنانی، کلیسه، بحیره تونس، بحیره بنزرت و بحره اشکل در شمال و شمال شرقی کشور قرار دارند. (امیرشاهی، ۱۳۷۴، ص ۵).

جغرافیای انسانی

تونس به چهار منطقه مسکونی تقسیم می‌شود: منطقه شمالی که نسبتاً حاصل خیز است؛ مناطق مرکزی که نیمه خشک است؛ الساحل در منطقه ساحل شرقی و مرکزی که در آنجا بیشتر زیتون کشت می‌شود؛ منطقه جنوبی که تقریباً فاقد گیاه است، اما نخلستان‌های وسیعی دارد. در مناطق مرکزی و جنوبی هنوز قبایلی نیمه بدوی به سر می‌برند. در شمال و شرق، به خصوص در نواحی ساحلی، جمعیت کاملاً از نظر نژادی مختلط است و تراکم بیشتری دارد، روستاها پر جمعیت‌تر و شهرها بزرگ‌ترند. طبق سرشماری سال ۱۳۸۱ ش / ۲۰۰۲ م جمعیت تونس حدود ۹/۷۷۹/۰۰۰ تن می‌باشد. در سال ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ م جمعیت تونس حدود ۹/۵۶۰/۰۰۰ تن بود. با اجرای برنامه تنظیم خانواده از سال ۱۳۵۴ ش / ۱۹۷۵ رشد جمعیت از ۲/۵٪ به ۱/۴۵٪ و ۱/۲۰٪ در سال ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ م کاهش یافته است. (خریطة الطرقات، ۲۰۰۱، ص ۴).

مردم تونس، اصالتاً بربر هستند. تونس گروه‌های قومی متنوعی از مهاجران را پذیرفته است، از جمله فنیقی‌ها، سیاهپوستان آفریقایی، آسیایی‌ها، یهودیان، رومی‌ها، واندال‌ها (نژاد ژرمن)، اعراب، پناهندگان مسلمان اهل سبسیل (صقلیه) و اسپانیا (اندلس) و هم‌چنین ترک‌های عثمانی، و فرانسوی‌ها. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۶۳۷).

موقعیت سیاسی و ژئوپلیتیکی

تونس به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود در شمال آفریقا، نقش مهمی را در سیاست کلی آفریقا و کشورهای عربی بر عهده دارد. این سرزمین کوچک در جناح راست کشورهای عربی قرار داشته و جزء میانه‌روها به شمار می‌رود. تونس از نظر وسعت، کشور کوچکی است که با مساحت ۱۶۴۱۵۰ کیلومتر مربع یکی از کشورهای آفریقای شمالی را تشکیل می‌دهد. این کشور از نظر موقعیت سوق الجیشی و ژئوپلیتیک در نقطه حساسی از جهان واقع شده است. تونس در شمال آفریقا در ساحل جنوبی دریای مدیترانه قرار گرفته که از نظر تجاری و بازرگانی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. به طور کلی آفریقای شمالی به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن از دیرزمان مورد طمع قدرت‌های وقت بوده است، راه دریایی دریای مدیترانه باعث شد که قدرت‌های استعماری سعی کنند که از یک‌دیگر برای استحکام سلطه خویش بر این منطقه از جمله کشور تونس سبقت بگیرند. دریای مدیترانه از گذشته دور تا کنون از اهمیت فوق العاده استراتژیک برخوردار بوده است. دریای مدیترانه سه قاره و دو اقیانوس را به هم پیوند داده و یکی از مهم‌ترین دریاهای جهان شناخته

می‌شود. امروزه قوای دریایی چند کشور صنعتی مانند آمریکا، انگلستان و ایتالیا در آن حضور دائمی دارند.

تونس گرچه در مقام مقایسه با کشورهای آفریقایی از نظر وسعت سی و چهارمین کشور قاره آفریقا به حساب می‌آید؛ اما به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک آن مورد توجه خاص قدرت‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که ژول فری، نخست وزیر اسبق فرانسه از تونس به عنوان «کلید خانه فرانسویان» یاد می‌کند. (امیرشاهی، پیشین، ص ۱۶-۱۷).

و نیز کورت والدهایم دبیر کل سابق سازمان ملل و رئیس جمهور اتریش در سفری که در دسامبر ۱۹۸۹ به تونس داشت، گفت: «من برای تونس نقش همانند اتریش تصور می‌کنم، زیرا تونس کشوری است که در خط مرزی شمال و جنوب قرار گرفته است، همان گونه که اتریش در خط مرزی سیاسی شرق و غرب واقع شده است.» (پیشین، ص ۵).

استکبار جهانی هم به تونس چشم دوخته است. بوش رئیس جمهور آمریکا در ملاقات رئیس جمهوری تونس (زین العابدین بن علی) با وی در کاخ سفید، خاطرنشان کرد که آمریکا با آگاهی از این که سیستم تحصیلی تونس، مدرن و پویاست و زنان از حقوق مساوی با مردان برخوردارند، معتقد است تونس به مطبوعات زنده و آزاد و همچنین یک روند سیاسی شفاف نیازمند است. (و طبق خواسته سران آمریکا) «تونس می‌تواند در هدایت خاورمیانه فراگیر و گسترده، به آزادی و اصلاحات کمک کند...» (Voice of America, 02/04/2004).

پیشینه تاریخی (از ابتدا تا حاکمیت اسلام)

تونس فعلی در قدیم معروف به کارتاژ (و به گفته اعراب، قرطاجه) بوده است. البته کارتاژ امروزه یکی از شهرهای باستانی تونس می‌باشد. کارتاژ در سده‌های قبل از میلاد از بزرگ‌ترین دولت‌های بازرگانی به شمار می‌رفت. تونس در قرن نهم قبل از میلاد زیر سلطه فینیقی‌ها قرار داشت. کارتاژها پایه گذار تمدن وسیع و درخشانی در شمال آفریقا بوده و مدت‌ها با امپراتوری روم رقابت و کشمکش داشتند. شهر «کارتاژ» که در قرن هفتم پیش از میلاد بنا نهاده شد، مرکز بزرگ‌ترین دولت بازرگانی فینیقی‌ها در شمال آفریقا بوده است. کارتاژ پس از تبدیل شدن به پایتخت یک جمهوری دریایی پرتوان، دست به حملاتی زد و مستعمراتی در سیسیل و اسپانیا ایجاد نمود و دریانوردانی به اقیانوس اطلس شمالی اعزام کرد و با رومیان به رقابتی سخت پرداخت.

تونس در زمان سلطه فینیقی‌ها، برای حفظ کارتاژ با دو نیروی مخالف در ستیز بود؛ یکی بربرها

و دیگری رومی‌ها. البته بربرها که به لحاظ حضور فنیقی‌ها به بازرگانی جهان باستان روی آورده بودند، به تناسب اوضاع و جلب منافع اقتصادی، زمانی با کارتاژ متحد شده و علیه رومی‌ها می‌جنگیدند و وقتی دیگر با کارتاژ به ستیز و جنگ برمی‌خاستند. این سرزمین حدود بیست بار با درگیری‌های خونین و قیام علیه حاکمان روبه‌رو شده است. (ر.ک: حموی، پیشین، ص ۶۱).

جنگ‌های طولانی‌ای بین رومی‌ها و کارتاژ در گرفته که به «جنگ تنبیهی» معروف گردیده است. در جنگ اول بین کارتاژ و رومی‌ها به رغم تلاش آینبال سردار بزرگ و معروف فنیقی، کارتاژ به تصرف سپاهیان روم درآمد؛ اما کارتاژ در مدت زمانی کوتاه دوباره سربرافراشت. بالاخره در سال ۱۴۶ قبل از میلاد، کشمکش دیرپای روم و کارتاژ در پایان دومین «جنگ تنبیهی» با ویرانی کارتاژ پایان گرفت. و به این صورت، کارتاژ تبدیل به ایالتی از ایالات روم در شمال آفریقا گردید و رومیان خود به نوسازی کارتاژ پرداختند و این شهر از قرن اول تا ششم میلادی به عنوان پایتخت مرفه آفریقایی روم، درخشیدن گرفت.

به این صورت رومی‌ها با پیروزی بر دشمنان خود (بربرها و نیز نومیدی‌ها) در شمال آفریقا بر نواحی ساحلی دریای مدیترانه حاکم شدند، و حدود چهارقرن حضور خویش را حفظ نمودند. اما تمدن رومی نتوانست کاملاً جانشین تمدن فنیقی - بربر شود.

واندال‌ها (حاکمان اسپانیای آن زمان) گروه دیگری بودند که پس از رومی‌ها بر شمال آفریقا حاکم گردیدند. این مهاجمان به علت عدم برخورداری از پایگاهی محکم از سویی و عجز آنان در تطبیق خویش با فرهنگ شهری آفریقای شمالی رومی از سوی دیگر و اختلافاتی که بین امرای آنان وجود داشت، شکست خوردند و سلطه آنان در سال ۵۳۴ م. پایان گرفت.

پس از واندال‌ها، بیزانسی‌ها بر آفریقا حاکم شدند (۶۴۲-۵۳۲ م). اینان به ترویج مسیحیت در شمال آفریقا پرداختند و به کلیسا رونق بخشیدند. در واقع آنها به ادامه کاری که رومی‌ها در مسیحی نمودن بربرهای شمال آفریقا انجام داده بودند پرداختند. (الموسوعة العربية العالمية، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۳۵۹-۳۵۶؛ امیرشاهی، پیشین، ص ۵۷-۶۰).

زبان و خط رسمی

زبان و خط رسمی هر کشوری بر اساس قانون اساسی آن کشور می‌باشد. در تونس نیز زبان و خط بر طبق قانون اساسی آن کشور عربی است (فصل اول، مقررات عمومی، اصل اول)؛ ولی زبان فرانسه نیز در آن کشور متداول بوده و به خصوص در محافل علمی و دولتی رواج دارد.

اقلیت بربر - کمتر از ۱٪ جمعیت تونس در جنوب جزیره جربه، مطماطه، الدویرات و شنی - هنوز به زبان بربری صحبت می‌کنند که کتابتی بدوی و فراموش شده نزدیک به خط تصویری دارد. لهجه عربی رایج بین مردم تونس مخلوطی از زبان عربی و فرانسه می‌باشد و کمتر به زبان عربی فصیح نزدیک است. (امیرشاهی، پیشین، ص ۱۱). به عبارت دیگر، اکثر تونس‌ها به زبان محاوره‌ای خود سخن می‌گویند که سه گویش دارد: گویش شهرها، گویش روستاها و شهرک‌ها و گویش بادیه‌نشینان. (دانشنامه جهان اسلام، پیشین، ص ۶۳۷).

ادیان و مذاهب

الف) مسیحیت و یهودیت

اقلیت‌های یهودی و مسیحی زیادی در تونس وجود دارد که شمار آنها، بر اساس آمار سال ۱۳۷۳ش/۱۹۹۴، بالغ بر ۱۱/۲۵۱ تن بوده است. (پیشین).

مسیحیت به عنوان یکی از ادیان زنده در تونس، سابقه قابل توجهی دارد. فعالیت‌های تیشیری مسیحی از سال ۱۸۵۷م. با انجام امور عام المنفعه آغاز شده و از سال ۱۸۸۰ جنبه مذهبی صرف به خود گرفته است. حضور گسترده مبلغان مسیحی، به همراه فراگرفتن زبان عربی، مشارکت در مسایل فرهنگی و جذب جوانان، نویسندگان، شعرا و ادبای تونس و نیز حمایت‌های سیاسی و مالی از گروندگان به مسیحیت از شیوه‌های رایج تبلیغ و تبشیر مسیحیان است. در تونس از وجود پانزده هزار کاتولیک گزارش شده است. شمار کشیشان بالغ بر ۴۷ نفر می‌باشند که اکثر آنان سالخورده هستند. علاوه بر این، پنج نفر روحانی و ۱۷۲ نفر خواهر روحانی که اکثراً فرانسوی و وابسته به پانزده مجمع مقدس هستند نیز حضور دارند و در پنج کلیسای موجود، در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی و اجتماعی فعالیت می‌نمایند. در کنوانسیون سال ۱۹۶۴ بین جمهوری تونس و مقر مقدس، کلیسا به عنوان یک شخصیت حقوقی شناخته شد و به این ترتیب برخی از تأسیسات بسیار مهم در اجتماع محفوظ باقی ماند. به گزارش خبرگزاری مهر، با وجودی که تونس یک کشور اسلامی است، اما تولد حضرت مسیح، به منزله دور کردن هرگونه تعصب و تبعیض، تلقی شده و مردم با شروع این ایام، جشن گرفته و شادی می‌کنند. به اعتقاد بعضی‌ها، کریسمس در تونس مظهر اتحاد مسلمانان و مسیحیان است. (خبرگزاری مهر، کریسمس ۲۰۰۷).

در میان اقلیت‌های مسیحی و کلیمی تونس و اکثریت مسلمانان اختلافات مشهودی دیده نشده و این اقلیت‌ها در کمال آسایش و امنیت در تونس به زندگی خود ادامه می‌دهند.

البته به جهت تسلط سیاسی و نظامی یک‌صد ساله فرانسه، تونس از تأثیرات فرهنگی این تسلط بی‌نصیب نمانده و نمودهای آن در شهرهای بزرگ و پایتخت بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، حضور سالانه بیش از دو میلیون توریست اروپایی و مهاجرت‌ها و آمد و شدهای فراوان تونس‌ها به کشورهای غربی نیز همگی در رشد مظاهر فرهنگ غربی مؤثر بوده و هست.

ب) اسلام

از زمان ورود اسلام به منطقه اروپا و به قولی در سال هفتاد هجری (معجم‌البلدان: ۶۲/۲)، مسلمانان از خاورمیانه و مصر به کشورهای شمال آفریقا از جمله تونس راه پیدا کرده و در این مناطق ساکن شدند. در سال ۱۱۴ هجری عیبدالله بن جحاب که از سوی هشام بن عبدالملک والی آفریقا بود، مسجد جامع تونس و دارالصناعه را بنا کرد. (حموی، پیشین، ص ۶۲). حضور گسترده مسلمانان و پیام اسلام، به تدریج فراگیر شد و در حال حاضر اکثریت قریب به اتفاق مردم تونس را مسلمان‌ها تشکیل می‌دهند که اغلب مالکی مذهب هستند. دومین مذهب، مذهب حنفی است که پیروان آن به جهت حضور چند ساله ترکان عثمانی در این کشور، جمعیتی را تشکیل می‌دهند. از بزرگان و عالمان متقدم این دیار می‌توان از افرادی همانند مؤدب محرز، ابو یزید شجرة بن عیسی تونس‌ی (متوفای ۲۶۲ هجری) و عبدالوارث بن عبدالغنی أبو محمد تونس‌ی مالکی یاد کرد. (پیشین). البته نام علما و دانشمندان بزرگی در تاریخ تونس باقی مانده، که از آن جمله‌اند: ماگون، اگوستین، قسطنطین، عبدالسلام بن سحنون، ابن الجزار، ابن الجزار، ابن رشیق، ابن عرضه، ابن خلدون، خیر الدنیا پاشا تونس‌ی، محمد بیژم تونس‌ی، ابوالقاسم شابی و محمد ظاهر بن عاشور. (دانشنامه جهان اسلام، پیشین، ص ۶۳۹).

گرچه تلاش‌های گسترده مبلغان مسیحی و مظاهر فرهنگ غربی در صدد تضعیف آموزه‌های اسلامی در تونس برآمده‌اند، اما توجه به تعالیم دینی در بین اقشار جامعه از جمله دانشجویان زیاد شده تا جایی که موجب تشکیل حزبی توسط مسلمانان گشته است. این حزب غیر رسمی که «اتجاه اسلامی» نامیده می‌شود به رهبری راشد الغنوشی و عبدالفتاح مورو خواستار ایجاد حکومت و تشکیلات اسلامی برای اداره امور کشور می‌باشد و جهت دست یافتن به این هدف روش مبارزات سیاسی و پارلمانی را برگزیده است.

مراکز اهتمام به امور دینی همانند حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های معارف دینی، مثل اغلب کشورهای اسلامی تحت نظارت مستقیم دولت قرار دارد و حضور علما در مسایل اجتماعی و سیاسی کشور، چشم‌گیر و ملموس نمی‌باشد. در هر حال، تونس در صدد پیاده کردن امور زیر است:

۱. نام نهادن دانشکده شریعت و اصول دین به جای مدرسه الزيتونه (مهم‌ترین حوزه علمیه تونس) ویژه شریعت و اصول دین و تبدیل آن به دانشگاه الزيتونه؛
 ۲. افزایش شمار اعضای شورای عالی اسلامی از ده عضو به پانزده عضو؛
 ۳. مشورت با شورای عالی اسلامی در امور مربوط به برنامه ریزی دانشگاه الزيتونه؛
 ۴. تصویب قانونی جهت بیان وضع قانونی مساجد و پشتیبانی از آن؛
 ۵. تربیت ائمه جمعه و وعاظ از طریق همکاری دانشکده الزيتونه و شورای عالی اسلامی؛
 ۶. ذکر تاریخ هجری در تقویم رسمی جمهوری تونس؛
 ۷. اقامه اذان نماز در رادیو و تلویزیون؛
 ۸. مشورت با شورای عالی اسلامی در مورد برنامه‌های آموزش مذهبی؛
 ۹. توجه به اعمال مذهبی تونسین مهاجر در مراکز کاری در خارج از کشور؛
 ۱۰. الحاق اداره مذهبی به نخست وزیری به جای وزارت کشور؛
 ۱۱. ایجاد وزارت امور مذهبی و تعیین وزیر امور دینی؛
 ۱۲. برنامه‌ریزی برای مسئول امور مذهبی استان‌ها؛
 ۱۳. ترمیم مسجد الزيتونه و تأمین احتیاجات آن؛
 ۱۴. صدور قوانین مربوط به مساجد؛
 ۱۵. اقدام به تبلیغات در جهت حفظ اخلاق پسندیده و مبارزه با مظاهر ضد اخلاق اسلامی؛
 ۱۶. اثبات آغاز ماه رمضان با توسل به دیدن ماه از مراکز مخصوص رؤیت ماه؛
 ۱۷. افزایش فعالیت‌های مذهبی در سطح ملی در راستای خدمت به اسلام و تقویت نظام تونس به عنوان جایگاه درخشش تمدن اسلامی؛
 ۱۸. افزایش حقوق کادرهای دینی بازنشسته و ائمه جماعت مساجد. (امیرشاهی، پیشین، ص ۲۳-۲۵).
- اما آیا این برنامه‌ها می‌تواند پاسخگوی نیازهای دینی مردم به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده تونس باشد؟

پیشینه تاریخی اسلام در تونس

پیشرفت سریع اسلام، به همراه خاتمیت نبوت پیامبر اکرم ﷺ و جاودانگی شریعت اسلامی، باعث قدرت گرفتن روز افزون مسلمانان شد، به گونه‌ای که سپاهیان اسلام پیروزی‌های پیاپی به دست آورده و در اندک زمانی دو امپراطور بزرگ آن زمان (یعنی ایران و روم) را شکست دادند. روند

فتوحات اسلام در سال ۲۰ هجری (۶۴۱ میلادی) به مصر کشانده شد و به دنبال آن راه برای حاکمیت اسلام در شمال آفریقا و سواحل جنوبی دریای مدیترانه باز شد. مقاومت بربرها در شمال آفریقا شکسته شد و سپاه اسلام بر شمال آفریقا، از جمله تونس حاکم شد. از این رو، عده زیادی از بربرها اسلام آوردند. با تداوم این فتوحات، در سال ۵۰ هجری (۶۷۰ م) بخش بزرگی از تونس به تصرف مسلمانان درآمد و با پیروزی آنان بر امپراطوری بیزانس (روم شرقی) تمامی متصرفات روم و ایالات رومی (از جمله آفریقای شمالی و اندلس) به تصرف آنها درآمد.

عقبه بن نافع، از سران سپاه اسلام، شهر قیروان را در سال ۵۰ هجری (۶۷۰ م) بنا نهاد و مسجد بزرگی در آن ساخت، که از مساجد معروف جهان اسلام گشت. این شهر به عنوان پایتخت آفریقا انتخاب گردید. بالاخره با سقوط نهایی شهر کارتاژ در سال ۷۴ هجری (۶۹۴ م) مسلمانان سرزمین‌های خویش را تا دریای آتلانتیک وسعت بخشیدند و در سال ۹۲ هجری سپاه اسلام به رهبری طارق بن زیاد وارد اسپانیا گردید. مردم شمال آفریقا با پذیرفتن دین اسلام و رایج شدن زبان عربی، به تدریج فرهنگ اسلام را پذیرفتند، به طوری که از آن پس تا امروز فرهنگ حاکم در این کشورها فرهنگ اسلام می‌باشد؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق مردم این مناطق مسلمان بوده و به زبان عربی صحبت می‌کنند و این زبان، زبان رسمی این کشور (و کشورهای همسایه) گردیده است.

با گذشت زمان و با توجه به حاکمیت خلفای اموی و عباسی، هر از چند گاهی زمزمه استقلال تونس از مرکز خلافت اسلامی به گوش می‌رسید. عبدالرحمن الفهری از جمله کسانی بود که توانست در زمان تشکیل دولت عباسی در بغداد، تونس را (که به آفریقای نیز معروف بود) مستقل سازد. البته خلفای اموی و عباسی تا آنجا که امکان داشت، از روند استقلال طلبی این مناطق جلوگیری می‌کردند. به عنوان مثال، با تعیین یزید بن حاتم از طرف عباسیان به عنوان حاکم قیروان (پایتخت آفریقا) برای مدتی تمام کوشش‌های استقلال طلبانه بربرها متوقف شد. اما با مرگ یزید بن حاتم - که سخت‌گیری‌های فراوانی برای کنترل اوضاع نموده بود - در سال ۱۷۰ هجری (۷۸۷ م) شمال آفریقا بار دیگر دچار ناآرامی گردید. در این شرایط، از جمله در کشور تونس فعلی گروه‌های مختلفی به قدرت رسیدند که مرکز خلافت نیز به ناچار با آنها مدارا می‌کرد و از این امر دلخوش بود که حکام این مناطق در ظاهر امر خلیفه را به رسمیت می‌شناسند، اما در واقع خودحاکمان مستقلی محسوب می‌شوند. (پیشین، ص ۶۳-۶۱).

در سال ۱۵۷۴ م. این ناحیه از آفریقا به تصرف ترک‌ها درآمد. تسلط ترک‌ها سال‌ها ادامه یافت و از طرف سلطان عثمانی نماینده‌ای با عنوان بی (Bey) در آنجا حکومت می‌کرد. در سال ۱۸۸۱ م. و

به دنبال عهدنامه باردو (Bardo) دولت فرانسه تحت حمایتی خود را بر تونس تحمیل نمود که تا شروع جنگ جهانی دوم باقی ماند. در بحبوحه جنگ در سال ۱۹۴۲م. تونس مدت کوتاهی توسط آلمان‌ها اشغال شد، ولی آلمان‌ها یک سال بعد به دنبال عقب‌نشینی خود از آفریقا، این کشور را نیز تخلیه نمودند.

آزادی و استقلال تونس

فکر دست‌یابی به آزادی و کسب استقلال در تونس مانند سایر کشورهای آفریقایی که سالیان دراز میدان رقابت و کشمکش دولت‌های مستعمراتی اروپا بودند از مدت‌ها پیش وجود داشته است. پس از جنگ جهانی دوم مبارزات مردم تونس برای رسیدن به استقلال، دولت فرانسه را مجبور کرد استقلال این سرزمین را به رسمیت بشناسد.

در سال ۱۹۵۴ منس فرانس نخست وزیر وقت فرانسه، طی نطقی اصول استقلال تونس را که از طرف دولت فرانسه پذیرفته شده بود اعلام کرد و در سال ۱۹۵۶ آخرین قرارداد توسط طرفین امضا شد و این کشور از استقلال کامل سیاسی بهره‌مند گردید. در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۷، حکومت جمهوری در آن کشور اعلام گردید به این صورت، نظام پادشاهی تونس از بین رفت و در سال ۱۹۵۹، قانون اساسی تونس توسط مجلس مؤسسان ملی به تصویب رسید. در اصل اول این قانون آمده است: «کشور تونس دولتی است آزاد، مستقل با داشتن حق حاکمیت ملی که دین آن اسلام و زبان آن عربی و سیستم حکومتی جمهوری می‌باشد». و در اصل دوم، جمهوری تونس را جزئی از مغرب بزرگ به حساب آورده، که در راه وحدت و یک‌پارچگی آن در چارچوب مصالح و منافع مشترک عمل خواهد نمود. و در اصل چهارم، شعار این کشور «جمهوری بر مبنای آزادی، استحکام نظام و عدالت» معرفی شده است. و در اصل پنزدهم، دفاع از تمامیت میهن برای هم‌وطنان یک وظیفه مقدس قلمداد شده است.

با اعلام نظام جمهوری، حبیب بورقیبه که ریاست کابینه «بای»^۱ و رهبری حزب فئودستور را به عهده داشت، از طرف مجلس مؤسسان ملی به ریاست جمهوری تونس منصوب گردید. وی در آن زمان از محبوبیت زیادی در بین عامه مردم برخوردار بود، زیرا به عنوان رهبر و پدر استقلال و «قائد اعظم» و «مجاهد اکبر» شناخته شده بود.

به این صورت، تونس پس از سال‌ها تحمل و سختی، از سلطه رژیم موروثی پادشاهی خلاصی یافت و نظامی جای‌گزین آن شد که گرچه جمهوری نامیده می‌شود اما بیش از آن‌که جمهوری باشد،

۱- «بای»، Bey یا «بیک» لقب حکام تونس در زمان قبل از استقلال بود.

نظام حاکمیت شخصی است که این بار به جای آن که پادشاه خوانده شود، رئیس جمهور نام دارد؛ چون با قدرت و نفوذ حزب حاکم، ریاست جمهوری بورقیبه مادام العمری تلقی شده و غیر از انتخابات سال ۱۹۸۱، بقیه انتخابات در حقیقت فرمایشی بوده است.

اوضاع داخلی و ایجاد اختناق جدید، عرصه را بر سیاسیون تنگ کرده بود به طوری که مردم تونس در روز هفتم نوامبر ۱۹۸۷ با خبری غیر منتظره روبه‌رو شده و به آن رضایت دادند؛ رادیوی تونس در این روز بیانیه‌ای را پخش نمود که طبق آن ژنرال زین العابدین بن علی نخست وزیر دیروز، خود را رئیس جمهور و فرمانده کل قوا اعلام کرد و بورقیبه را از کار برکنار نمود.

به دنبال به قدرت رسیدن «بن علی» وزارت خارجه آمریکا با انتشار بیانیه‌ای ضمن ستایش از حبیب بورقیبه خواستار حفظ روابط تونس و واشنگتن و توسعه آن با دولت جدید گردید. وزارت خارجه فرانسه هم با انتشار اعلامیه‌ای ریاست جمهوری «بن علی» را تبریک گفته و خواستار تقویت و گسترش هرچه بیشتر روابط دو جانبه گردید. (کتاب سبز ۱۳۶۸، ص ۲۸).

از اصلاحات تا اختناق جدید

با روی کار آمدن «بن علی» مردم تونس و گروه‌های معارض داخلی، از این تغییر و تحول و سقوط دیکتاتوری سی ساله حبیب بورقیبه استقبال نمودند. حرکت اتجاه اسلامی تونس (النهضه کنونی) هم وی را تأیید کرده و همکاری خویش را با نظام حاکم اعلان نمود. «بن علی» اعلام کرد که حکومت فردی را لغو، به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی اقدام و فعالیت گروه‌های سیاسی را آزاد خواهد کرد. وی به تصفیه مخالفان و جناح وابسته به رئیس جمهور گذشته در دولت و دستگاه‌های دولتی پرداخت. تونس در دوران بن علی مقطع کوتاهی را، از ۷ نوامبر ۱۹۸۷ تا زمان برگزاری انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری در آوریل ۱۹۸۹، به عنوان دوران تجلی ظاهری آزادی‌های سیاسی پشت سر گذاشت. طی این مدت کوتاه بار دیگر احزاب فعالیت خویش را آغاز نمودند و پس از اصلاح قانون مطبوعات، نشریه‌های گوناگون اجازه فعالیت پیدا کرد. اما پس از این مدت، بار دیگر خفقان دوران بورقیبه برگشت و در نتیجه، موضع‌گیری گروه‌های معارض دست‌خوش تغییر گردید.

از جمله اقداماتی که بن علی انجام داد، اصلاح و تغییر قانون اساسی کشور بود. وی همان‌گونه که وعده داده بود، ماده مربوط به مادام العمر بودن ریاست جمهوری را تغییر داد و اصل پنجاه و هفتم را نیز که خود با تمسک به آن به قدرت رسیده بود لغو نمود. و به این ترتیب راه قانونی به قدرت رسیدن نخست وزیر را برای همیشه بست. علاوه بر آن، در سال ۱۹۸۸ م. قانون منع فعالیت گروه‌ها

و احزاب سیاسی را از تصویب گذرانند. وی جریان‌های چپ‌گرا را بازگردانده و از آنان اعاده حیثیت نمود. (کیهان، شماره ۱۴۳۴۲).

قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی در آوریل ۱۹۸۹، قانون احزاب به تصویب رسید که بر اساس آن، احزابی اجازه فعالیت داشتند که جنبه نژادی، دینی و مذهبی نداشته باشند؛ این امر در عمل راه را برای «حرکت اتجاه اسلامی» به رهبری شیخ راشد الغنوشی^۱ مسدود می‌کرد. گرچه رهبران این حزب به همین علت اسم حزب خویش را تغییر دادند و نام «النهضة» را که مشخصه اسلامی دارد، برگزیدند، اما «بن علی» باز اجازه فعالیت رسمی به آنان نداد. از این رو، با ایجاد اختناق و سخت‌گیری نسبت به احزاب، به ویژه گروه‌های اسلامی، دوران کوتاه به اصطلاح آزادی پایان یافت و بار دیگر کشور شاهد تحولات گوناگونی از نظر رابطه دستگاه حاکم و مردم گردید. بن علی از آن پس، چهره حقیقی خویش را که مدتی در پس پرده شعارهای مردم فریب مخفی نموده بود، آشکار ساخت. بار دیگر فشارهای سیاسی بر مخالفان آغاز شد و محاکمات سیاسی از سر گرفته شد. درخواست گروه‌های اسلامی مبنی بر فعالیت سیاسی رد شده، طرفداران آنها زندانی و شکنجه شدند و تبلیغات شدید علیه احزاب اسلامی و فعالیت‌های اسلامی آغاز گردید و «بن علی» در مقابل نمایندگان مجلس گفت: «در تونس هیچ جایی برای فعالیت یک حزب دینی وجود ندارد». و نیز گفت: «اسلام دین همه است و نمی‌تواند موضوع اختلاف و مبارزه قرارگیرد و نمی‌توان با تمسک به آن به قدرت دست پیدا نمود. دولت تنها مدافع اسلام است.» (امیرشاهی، پیشین، ص ۸۵).

در سال ۱۹۹۱ م. بیش از ۸۰۰۰ نفر از اعضای جنبش النهضة دستگیر شده و صدها تن از آنان زیر شکنجه‌های شدید به شهادت رسیدند. چندی پیش ۲۷۹ نفر از مبارزان مسلمان در یک دادگاه نظامی به اتهام توطئه برای قتل زین‌العابدین بن علی به عنوان بخشی از یک طرح برای تبدیل تونس به یک کشور اسلامی، محاکمه شدند. اتهامات مزبور را در زیر شکنجه‌های شدید از این افراد، که وابسته به جنبش النهضة هستند، گرفته‌اند. (اطلاعات، شماره ۱۹۵۵۷).

موضع‌گیری‌های دو دهه اخیر «بن علی» در مسایل کلان منطقه، حکایت از آن دارد که تونس در راستای اهداف ایالات متحده آمریکا حرکت کرده و منافع قدرتهای دیگر از جمله فرانسه را حفظ کرده است.

۱- راشد الغنوشی در سال ۱۹۴۱ م. در تونس به دنیا آمد و تحصیلات خود را در جامع زیتونه تونس به پایان رسانید. مدتی در مصر و فرانسه نیز تحصیل نمود و پس از بازگشت به تونس به تدریس فلسفه مشغول شد. وی از اوایل سال ۱۹۷۰ م. با نشر ماهنامه المعرفة، هسته‌های نخستین حرکت اسلامی تونس را تشکیل داد.

رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی در رشد افکار، ارایه آرای گوناگون، بازگو کردن نظرات احزاب و دسته جات سیاسی موافق و مخالف، نقش به‌سزایی دارند. امروزه تنوع رسانه‌های گروهی از هر نظر به ویژه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی، زمینه تبادل اطلاعات مختلف را آماده کرده، رشد آگاهی عمومی از جریان‌ها و حوادث را افزایش داده است. این ویژگی‌ها در تونس قابل لمس است و ازدیاد مطبوعات مختلف به صورت روزانه، هفتگی و ماهانه به دو زبان عربی و فرانسوی از نمودهای آن به شمار می‌رود. در زیر برخی از رسانه‌های مهم گروهی معرفی می‌گردد:

الف) روزنامه‌های عربی

۱. الصحافة (دربردارنده مطالب متنوعی از مسایل داخلی، منطقه و بین المللی است و از سوی دولت حمایت می‌شود)؛
۲. الصباح (دربردارنده اخبار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، که نیمه رسمی بوده و از سوی دولت حمایت و کنترل می‌شود)؛
۳. الحرية (وابسته به حزب التجمع الدستوری)؛
۴. الشروق.

ب) هفته نامه‌های عربی

۱. الانوار (به صورت مستقل است)؛
۲. الايام (دربردارنده مسایل سیاسی، اجتماعی و هنری از قبیل موسیقی و ورزش است)؛
۳. الاخبار (مستقل بوده و در دارتونس هبدو منتشر می‌شود)؛
۴. الاعلان (دربردارنده مسایل سیاسی - اجتماعی، اخبار ورزشی و آگهی‌های مختلف سندیکایی است)؛
۵. صباح الخير (دربردارنده اخبار هفته، مسایل علمی، پزشکی و حوادث است)؛
۶. الهدی (دربردارنده مسایل اجتماعی، اخبار و حوادث منطقه و تونس است)؛
۷. الحدث.

ج) مطبوعات فرانسوی زبان

۱. روزنامه اونرو (ارگان حزب حاکم «RCD»)؛
۲. روزنامه لاپرس (این روزنامه ترجمه فرانسوی زبان الصحافه می‌باشد)؛
۳. روزنامه لوتام (ترجمه فرانسوی زبان الصباح)؛
۴. هفته نامه ابدو (دربردارنده مطالب سیاسی و اجتماعی).

د) رادیو

رادیوی دولتی تونس که به زبان‌های عربی، فرانسه و ایتالیایی برنامه‌های خود را پخش می‌کند و در شهرهای تونس، قفصه و سفاکس (سفاکس) و مُنستیر ایستگاه دارد به رغم نصب دستگاه‌های ماهواره‌ای، دستگاه‌های محدود و قدیمی آن نیز به کار خود ادامه می‌دهد.

ه) تلویزیون

تلویزیون تونس اولین بار در سال ۱۳۷۵ش / ۱۹۶۶م. در شمال و مرکز تونس آغاز به کار نمود و تا سال ۱۹۷۲م. کشور را زیر پوشش قرار می‌داد. تا چند سال پیش تنها یک کانال تلویزیونی عهده دار پخش برنامه به زبان عربی و فرانسه بود و اینک دو شبکه عربی به نام‌های شبکه هفت (قناة سبعة) و شبکه جوانان (قناة الشباب) دارد. در سال ۱۹۸۳ نیز یک کانال تلویزیونی دیگر به زبان فرانسه آغاز به کار کرد و اخیراً برنامه‌های کانال یک دولتی و کانال خصوصی افق به زبان فرانسه رله می‌شود. (امیرشاهی، پیشین، ص ۳۳-۳۵).

با افزایش ارتباطات ماهواره‌ای، علاوه بر تلویزیون‌های محلی، مردم از کانال‌های دیگر خارجی استفاده می‌کنند؛ چنان که بهره‌گیری از رایانه و اینترنت نیز به صورت قابل توجهی افزایش یافته است.

و) خبرگزاری‌ها

علاوه بر خبرگزاری داخلی تونس که در سال ۱۹۶۱م. تأسیس شده و مرکز آن در پایتخت است، اکثر خبرگزاری‌های بین‌المللی به علت مرکزیت تونس به عنوان پل ارتباط غرب آفریقا در این کشور نمایندگی دارند.

روابط فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران

مشترکات موجود میان کشورها و ملت‌های مسلمان، زمینه بسیار مناسبی برای گسترش روابط فیما بین است، گرچه موانع سیاسی و قومیتی و نژادی گاهی باعث کاهش روابط فرهنگی و دینی شده و جدایی کشورها از یک‌دیگر را به دنبال دارد. از قرون اولیه اسلامی، روابط دو جانبه‌ای بین دو کشور ایران و تونس وجود داشت و بسیاری از فقها و دانشمندان ایران در زمان خلافت فاطمیون به تونس مهاجرت کرده بودند. البته در دوران تسلط عثمانی بر تونس به جهت اختلافاتی که بین ایران و امپراطوری عثمانی وجود داشت این ارتباطات به حد اقل تنزل پیدا کرد. از قدیم الایام، فرهنگ ایران در تونس نفوذ داشته است. نفوذ کامل ایران از دوره اغلیبان آغاز شد که هارون الرشید حکومت

افریقیه را به ابراهیم بن اغلب سپرد. وی همراه با لشکریانی، عمدتاً خراسانی، در افریقیه ساکن شدند و فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی را در این مناطق رایج ساختند.

برخی از اندیش‌مندان ایرانی این دوران عبارت بودند از: عبدالله بن فزوخ فارسی (متوفی ۱۷۶ هـ)، خالد بن یزید فارسی، و اسد بن فرات نیشابوری (متوفی ۲۱۴) که از بزرگان فقه‌های مالکی بود. دومین مقطع تأثیرگذاری ایرانیان بر فرهنگ تونس، هنگام ضعف امرای صنهاجی در اوایل قرن ششم در افریقیه بود. در این دوره امرای مستقلی فرمانروایی می‌کردند، از جمله بنو خراسان که ایرانی تبار بودند و شهر تونس را مرکز اداری و سیاسی خویش قرار دادند. در مدرسه زیتونیه و مدرسه صادقیه این شهر تا قرن هفتم / سیزدهم و قبل از تحت‌الحمایه شدن تونس، زبان فارسی تدریس می‌شد. امروزه چندین خیابان اصلی شهر تونس، مزین به نام شاعران و فیلسوفان بزرگ ایرانی هم‌چون خیام، حافظ، مولوی، ابن سینا، فارابی و رازی است. (الشای و دیگران، ۱۹۷۱، ص ۸۹ و ۱۱؛ دانشنامه جهان اسلام، پیشین، ص ۶۳۹).

پس از استقلال تونس، یک کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تونس تأسیس شد که استاد آن از تهران اعزام می‌گردید. متعاقب آن، مقامات فرهنگی و آموزشی طرفین از دو کشور بازدید کرده و اقدام به تشکیل نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری ایران در تونس نمودند. در سال ۱۳۵۰ به دنبال سفر وزیر فرهنگ و هنر وقت ایران به تونس، نامه‌هایی در مورد همکاری‌های فرهنگی و هنری میان وزرای دو کشور مبادله شد و قرارداد تبادل دانشجو بین دو کشور نیز به امضا رسید. این قرارداد پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حالت تعلیق درآمد و تاکنون با وجود مذاکرات متوالی، موافقت جدیدی صورت نپذیرفته است.

در سال ۱۳۵۱ ش / ۱۹۷۲ م، دولت تونس اقدام به افتتاح سفارت در تهران نمود، اما در ۱۳۶۱ ش / ۱۹۸۲، به بهانه صرفه‌جویی در امور مالی و مخالفت با جنگ عراق و ایران، نمایندگی خود را در تهران تعطیل کرد. دولت تونس در جنگ تحمیلی آشکارا از عراق حمایت می‌کرد و در مجامع بین‌المللی، به خصوص در مورد مسایل حقوق بشر، علیه ایران رأی می‌داد. در سال ۱۳۶۶ ش. کاردار ایران از تونس اخراج گردید و روابط دو جانبه به طور کامل قطع شد. در سال ۱۳۶۹ ش. بار دیگر روابط سیاسی از سرگرفته شد و در ۱۳۷۲ ش. به سطح سفیر ارتقا یافت و روابط تجاری و اقتصادی به میزان چشمگیری رشد کرد. (دانشنامه جهان اسلام، پیشین، ص ۶۴۸-۶۴۹).

گرچه سفارت و نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در تونس، گام‌هایی جهت ارتباط بیشتر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برداشته‌اند، اما نفوذ آمریکا در حکومت تونس از سویی و وجود تبلیغات

مسموم ضد ایران از سوی دیگر دست به دست هم داده تا روابط فرهنگی گسترده و همه جانبه شکل نگیرد. اختناق سیاسی موجود در این کشور، مانع هر نوع اطلاع رسانی دقیق و آگاهی از واقعیات جمهوری اسلامی ایران است و این موضوعی است که در بیشتر کشورهای عربی مشاهده می‌گردد.

سازمان‌ها و اتحادیه‌های سیاسی - اجتماعی

شکل دهی جریان‌های سیاسی - اجتماعی در قالب‌های ویژه سازمانی و غیره، به صورت گسترده در کشورهای آزاد و نیمه آزاد جریان دارد. هدایت افکار جامعه از این طریق، بخشی از فعالیت‌های دست اندرکاران امور جامعه می‌باشد. در تونس به دلایل مختلف از جمله نزدیکی جغرافیایی با اروپا، آشنایی اکثریت مردم به زبان فرانسه، گستردگی سیستم آموزش، وجود مراکز متعدد آموزش عالی، رفت و آمد میلیون‌ها گردشگر خارجی و به خصوص اروپایی، گستردگی فعالیت مطبوعات و در دسترس بودن مطبوعات خارجی، رشد و آگاهی مردم به نسبت سایر کشورهای جهان سوم بیشتر است و مفاهیمی هم‌چون حزب و سندیکا و صنف و آزادی مطبوعات شناخته شده است. این آگاهی‌ها و وجود آزادی نسبی در کشور موجب پیدایش احزاب و سندیکای مختلفی گردیده که مهم‌ترین آنها عبارت اند از:

۱. جمعیت طرفداران قانون اساسی دمکراتیک (RCD) که در سال ۱۹۸۸ توسط زین العابدین بن علی رئیس جمهور به جای حزب سوسیالیست دستور (PSD) تشکیل شده که خود آن حزب نیز در سال ۱۹۳۴ به وسیله حبیب بورقیبه تأسیس گردیده و یک حزب میانه رو و جمهوری خواه متمایل به چپ می‌باشد. ریاست این حزب بر عهده بن علی است و دبیر کل آن شاذلی نفاقی می‌باشد.
۲. جنبش برای اتحاد خلق (M.U.P) که یک حزب طرفدار اصلاحات شدید بوده و به دو شاخه تقسیم شده است؛ یک شاخه آن به رهبری احمد بن صلاح و شاخه دیگر به رهبری بالحاج امور در انتخابات ۱۹۸۱ شرکت نموده و در سال ۱۹۸۳ به رسمیت شناخته شده است و نام حزب اتحاد برای خلق (M.U.P) را برگزیده است.
۳. جنبش سوسیال دمکرات (MSD)؛ این جنبش در انتخابات ۱۹۸۱ شرکت نموده و در سال ۱۹۸۳ به رسمیت شناخته شد و طرفدار سیستم سیاسی جمع گرا است. دبیر کل آن احمد مستیری است.
۴. حزب کمونیست تونس (PCT) که در سال ۱۹۳۹ تأسیس گردید و در سال‌های ۱۹۶۳-۸۱

فعالیتش ممنوع شد و دبیر کل آن محمد هرمل می‌باشد و در سال ۱۹۹۳ به نام التجدیة تغییر نام داد.

۵. جمعیت سوسیالیست‌های تونس، که در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد و دبیر کل آن نجیب است که فرد چپ‌گرا است.

۶. جنبش اسلامی النهضه که رهبر آن راشد الغنوشی می‌باشد و فعالیت‌های آن از سال ۱۹۸۱ ممنوع شده و فعلاً یک حزب غیر قانونی تلقی می‌گردد.

هم‌چنین اتحادیه‌های مهمی که تعداد آنها به پانزده اتحادیه می‌رسد در تونس فعالیت می‌کنند، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. اتحادیه عمومی کارگران تونس (U.G.T.T) که در سال ۱۹۴۶ توسط فرحت حائه بنیان‌گذاری شد و بیش از ۱۷۵/۰۰۰ نفر عضو دارد که متشکل از ۲۳ اتحادیه می‌باشد.

۲. اتحادیه ملی زنان تونس (U.N.F.T) که در سال ۱۹۵۶ تأسیس شد و بیش از ۴۵/۰۰۰ نفر عضو دارد و دبیر کلی آن را فاطمه دویق (F.Douik) بر عهده دارد.

۳. اتحادیه عمومی دانشجویان تونس (U.G.E.T) که در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد و شامل ۶۰۰ عضو است و رهبری فعلی آن‌را مکی فتوری بر عهده دارد. (امیرشاهی، پیشین، ص ۷۵-۷۳).

وضعیت داخلی تونس در دو دهه گذشته

رژیم حاکم بر تونس با حمایت استکبار جهانی با طرفداران جنبش اسلامی به شدت برخورد می‌نماید و خبرگزاری‌های غربی و عربی هم بر این جنایات سرپوش می‌گذارند. آنان از تجدید حیات اسلامی در تونس به شدت نگران هستند. صلاح‌الدین معاویه مشاور سیاسی بن علی، خطاب به بوش گفته بود: «توسعه روند بنیادگرایی اسلامی نه تنها ثبات کشورهای عربی را متزلزل می‌کند بلکه کشورهای صنعتی را نیز تهدید می‌نماید.» (گلی‌زواره، ۱۳۸۰، ص ۳۵۸). این رژیم که از برخورد منطقی با اندیشه‌های اسلامی عاجز مانده، حرکت‌های اسلامی را به گونه‌ای جلوه می‌دهد تا از غرب در قالب کمک‌های سیاسی و مادی باج بگیرد. بن علی که در آغاز اعلام کرد: «می‌خواهد اصالت اسلامی را اعتبار ببخشد!» بر اساس قانون مساجد که در سال ۱۹۸۸ م. به تصویب رسید هرگونه فعالیت مذهبی حتی خواندن قرآن را ممنوع کرد مگر آن‌که از دفتر نخست‌وزیری مجوز گرفته شود! کاری که حتی فرانسه در زمان استعمار تونس انجام نداد.

جامع زیتونه تونس که قبل از دانشگاه الازهر مصر تأسیس شده و به مدت ۳۰ سال به دستور

رژیم خود کامه بورقیبه تعطیل شده بود و در زمان رژیم بن علی اجازه یافته بود که به صورت مختصر به فعالیت خود ادامه دهد، در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۰ م (۷ مرداد ۱۳۶۹) در چارچوب فعالیت‌های اسلامی! تعطیل شد و در جریان متوقف نمودن فعالیت‌های آن، به این دانشگاه اسلامی یورش برده شد، اسناد آن را ضبط و حساب بانکی آن بلوکه شد. (هفته‌نامه بعثت، ۱۳/۸/۱۳۷۰). در مقابل، ۸۰۰ استاد زبان فرانسه به تونس احضار شدند تا با فرهنگ اسلامی و زبان عربی به مقابله برخیزند.

حاکمان اسلامی باید برای حفظ منافع و مصالح مسلمانان در صدد احیای ارزش‌های دینی و انسانی باشند و برای زندگی چند روزه دنیایی خود، سرنوشت امت اسلامی را به دست امیال و اهداف بیگانگان قرار ندهند. هوشیاری، وحدت و یک‌پارچگی مسلمانان در برابر تبلیغات مسموم و همراه کننده دشمنان، به ویژه قدرت‌های استکباری، می‌تواند زمینه‌ساز درخشش مجدد اسلام در این سرزمین باشد و تونسی که در طول چندین قرن یکی از مراکز تشکیلات اسلامی و نیز پایگاهی برای ورود مسلمانان به اروپا بود، بار دیگر می‌تواند با حمایت از ارزش‌های اسلامی، به مجد و شکوه همه جانبه دست یابد و بر عزت و سربلندی مسلمانان بیفزاید.

منابع و مأخذ

- ۱- الموسوعة العربية العالمية، مؤسسة اعمال الموسوعة للنشر و التوزيع، ریاض، چاپ دوم، ج ۷، ۱۴۱۹.
- ۲- الموسوعة العربية المیسرة، الجمعية المصریة لنشر المعرفة و الثقافة العالمية، دار الجیل، چاپ دوم، ج ۲، ۲۰۰۱.
- ۳- امیرشاهی، ذوالفقار، تونس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۴- تونس، جریان‌های سیاسی، روزنامه کیهان، شماره ۱۴۳۴۲.
- ۵- حموی، یاقوت، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۳۹۹.
- ۶- خبرگزاری مهر، کریسمس ۲۰۰۷.
- ۷- خريطة الطرقات، الديون القومي للسياحة التونسية، تونس، ۲۰۰۱.
- ۸- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، چاپ اول، ج ۸، ۱۳۸۳.

۹- علی الشای و دیگران، تونس و ایران قرون من التلافتح الحضاری، الدار التونسیة للنشر، تونس، ۱۹۷۱.

۱۰- گزارش سازمان عفو بین الملل، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۵۵۷.

۱۱- گلی زواره، غلامرضا، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۱۲- هفته نامه بعثت، سال دوازدهم، شماره ۳۵، ۱۳/۸/۱۳۷۰.

13- Voice of America , 02/04/2004.

